یک جرعه نور

قیامت، روز سردرگمی انسان است

احمد عدالتیان| در ادامه مرور سوره‌های کوچک قرآن کریم، بخش اول سوره مبارک زلزال را باهم تلاوت می‌کنیم که خداوند متعال می‌فرماید: «**إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا؛ وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا؛ وَ قَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا؛ يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا؛ بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَى لَهَا**؛ آن‌گاه که زمین به لرزش شدید خود لرزانده شود و زمین، بارهای سنگین خود را بیرون افکند و انسان بگوید زمین را چه شده است؟[که این‌گونه سخت می‌لرزد] در آن روز، زمین خبرهای خود را بازگو کند؛ چراکه پروردگارت به آن وحی کرده است.»

مانند دیگر سوره‌های کوتاهی که مرور کردیم، این سوره هم برای یادآوری سختی و عظمت قیامت است تاانسان بداند هیچ عمل او بی‌حساب نخواهد ماند و نباید تصور کند که خوشی یا بدی این دنیا پایدار می‌ماند. خداوند متعال در این سوره، قیامت را همراه با زلزله‌های شدید توصیف می‌کند، به‌طوری‌که زمین، انسان‌هایی را که در دل خود دارد، بیرون می‌اندازد، همه زنده می‌شوند و حیران می‌مانند که چه خبر است.

بنابراین قیامت روز تحیر و سردرگمی انسان است و روزی است که راه هرگونه انکار و توجیه بسته خواهد شد. حضور مردم در قیامت به‌طور پراکنده است. هرکه همراه رهبری که در دنیا انتخاب کرده است، می‌آید و خوبان و بدان از یکدیگر جدا می‌شوند.

نکته مهم اینکه با اراده خداوند در قیامت، جمادات نیز به سخن می‌آیند؛ نه‌فقط زمین، بلکه اعضای بدن انسان نیز علیه او گواهی می‌دهند.

در خطبه ۱۵۷ نهج‌البلاغه نیز می‌خوانیم: «بندگان خدا! بترسید از روزی که در آن، تمام اعمال بررسی شود، زلزله‌ها زیاد می‌شود و کودکان[به خاطر طولانی بودن یا سختی آن روز] پیر می‌شوند.»

مشاوره

صدایی که باید شنید و نباید خاموشش کرد

علیرضا وکیلی| کمتر پدر و مادری پیدا می‌شود که از شنیدن فریاد، لجبازی، کتک زدن یا جواب‌های تند فرزندش نگران نشود. خیلی‌ها در همان لحظه با خودشان می‌گویند نکند تربیتم اشتباه بوده است؟ اما قبل از هر قضاوتی، یک حقیقت مهم را به خاطر بسپاریم؛ پرخاشگری، معمولا ریشه مشکل است، نه خود مشکل. کودکی که بلد نیست احساساتش را درست بیان کند، گاهی با داد زدن، کتک زدن یا بی‌احترامی، از درون آشفته‌اش خبر می‌دهد. اگر فقط رفتار را ببینیم و سراغ علت نرویم، ممکن است هر روز آتش این ماجرا شعله‌ورتر شود.

قرآن کریم، خانواده را محل سکونت و آرامش می‌داند. وقتی فضای خانه از آرامش فاصله می‌گیرد، کودکان نیز بیش از بزرگ‌ترها این تنش را در رفتارشان، نشان می‌دهند. از نگاه تربیت اسلامی، رفتار فرزند فقط محصول حرف‌هایی که به او گفته‌ایم، نیست؛ محصول فضایی است که هر روز در آن زندگی می‌کند.

پرخاشگری همیشه از عصبانیت نیست

گاهی کودک خسته است، خواب کافی ندارد، ساعت‌های زیادی درگیر بازی‌های دیجیتال یا محتوای هیجان‌برانگیز بوده است یا احساس می‌کند کمتر از خواهر و برادرش دیده می‌شود. بعضی کودکان نیز وقتی نمی‌توانند خواسته یا ناراحتی خود را با کلمات بیان کنند، از رفتارهای پرخاشگرانه کمک می‌گیرند. درواقع، پرخاشگری برای آن‌ها به زبان دوم تبدیل می‌شود.

خانه، اولین کلاس کنترل خشم است

کودکان بیش از آنکه به حرف‌های ما گوش بدهند، رفتار ما را تماشا می‌کنند. اگر در خانه اختلاف‌ها با داد زدن، تحقیر یا پرخاش حل شود، کودک نیز همین شیوه را یاد می‌گیرد. امام صادق(ع) می‌فرمایند: «**كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ**؛ مردم را با رفتار خود دعوت کنید، نه‌فقط با زبانتان!» این سخن، درباره تربیت فرزند نیز صادق است؛ آرامش، آموختنی است و بهترین معلم آن، رفتار والدین است.

حالا چه‌کار کنیم؟

اول: به‌جای اینکه فقط بپرسید چرا این کار را کردی، از خودتان بپرسید: امروز چه اتفاقی افتاده که فرزندم این‌قدر به‌هم ریخته است؟ گاهی ۱۰ دقیقه گفت‌وگوی آرام، علت اصلی را آشکار می‌کند.

دوم: برای احساسات او اسم بگذارید. وقتی عصبانی است، بگویید: «فکر می‌کنم ناراحت شدی» یا «انگار خیلی عصبانی هستی.» پژوهش‌های روان‌شناسی نشان داده‌اند که نام بردن از احساسات، به کودک کمک می‌کند زودتر بر هیجان خود مسلط شود.

سوم: بین احساس و رفتار، تفاوت بگذارید. به او بگویید: «عصبانی شدن اشکالی ندارد، اما کتک زدن یا حرف بدزدن، قابل قبول نیست.» کودک باید یاد بگیرد که همه احساسات، مجازند اما همه رفتارها، نه.

چهارم: هر روز زمانی را فقط به او اختصاص دهید؛ حتی پانزده دقیقه بازی یا گفت‌وگوی دونفره، بدون تلفن همراه و بدون نصیحت. بسیاری از رفتارهای تند، فریاد کودکی است که می‌خواهد دیده شود.

سیره بزرگان

۲بال نجات از ظلمت درونی

سمانه رضوانی| آیت‌الله سیدعلی قاضی طباطبایی تبریزی، از علما و عرفای نامدار شیعه در قرن اخیر است که در نجف اشرف زندگی می‌کرد. او نه‌تنها در فقه و اصول صاحب‌نظر بود، بلکه در سیروسلوک الهی به مقاماتی دست یافت که زبانزد خاص‌وعام شد. تواضع بی‌نظیر، خلوص نیت و عشق سوزان به اهل بیت(ع)، به‌ویژه حضرت اباعبدالله‌الحسین(ع)، از ویژگی‌های بارزش بود. شاگردان برجسته‌ای همچون علامه طباطبایی، آیت‌الله‌العظمی بهجت و آیت‌الله کشمیری، ثمره دروس عرفانی و اخلاقی ایشان هستند.

یکی از زیباترین جلوه‌های اخلاقی آیت‌الله قاضی طباطبایی، نحوه حضور و برخورد او در مجالس روضه حضرت سیدالشهدا(ع) بود. نقل شده است که آیت‌الله در مجلس روضه، بسیار مؤدب و با نهایت احترام می‌نشست؛ چنان‌که انگار در محضر خود امام حسین(ع) حضور دارد. در پایان مراسم، با کمال فروتنی به سمت در خروجی می‌رفت و کفش‌های حاضران در مجلس را یکی‌یکی ردیف و آماده پوشیدن می‌کرد و چه‌بسا آن‌ها را با آستین لباس خود گردگیری می‌کرد. این کار را نه از روی تکلف، بلکه از روی عشق و معرفتی عمیق انجام می‌داد. وقتی از او درباره دلیل این رفتار پرسیده شد، پاسخی داد که نشان از اوج معرفت وی داشت. می‌گفت: «من کفش حاضران در مجلس روضه اباعبدالله را تمیز می‌کنم تا ملائک حاضر در این مجلس، گواهی دهند به آنچه در باطن من می‌گذرد که جز خدای متعال، کسی از آن اطلاع ندارد.» او می‌خواست فرشتگان، شاهد خلوص نیتش باشند؛ چون مؤمن، هر عمل کوچکی را وسیله‌ای برای تقرب به حضرت حق و ابراز ارادت به ساحت مقدس اولیای الهی، قرار می‌دهد. آیت‌الله قاضی طباطبایی در مورد راه‌های رسیدن به حقیقت می‌گوید: «اکثر افرادی که موفق به نفی خواطر شده و توانسته‌اند ذهن خود را پاک و صاف نموده و از خواطر مصفا کنند و بالاخره سلطان معرفت بر آن‌ها طلوع کرده است، در یکی از این دو حال بوده است: اول در حین تلاوت قرآن مجید. دوم از راه توسل به حضرت اباعبدالله‌الحسین(ع)؛ زیرا آن حضرت را برای رفع حجاب و موانع طریق نسبت به سالکین راه خدا، عنایتی عظیم است.» این عبارت، نقشه راهی است برای تمامی جویندگان حقیقت. قرآن، کلام خدا که جلای دل‌ها و روشنی چشم‌هاست و حسین(ع) که کشتی نجات و چراغ هدایت است، دو بالی هستند که انسان را از ظلمت‌های درونی به معرفت و نورانیت می‌رسانند.

تبیین تجلیات توحیدی ارکان نماز در بازخوانی زیارت آل‌یاسین

گامی به سوی حقیقت نماز

پنجشنبه‌های مهدوی

گزارش

حانیه سالم| نماز، تلاقی اراده محدود انسان با اراده مطلق حق است. در این میان، عبادات اگر از حقیقت معنا تهی شوند، فقط به پوسته‌ای بی‌جان بدل می‌شوند که در جریان تکرار، معنای خود را از دست می‌دهند. اما زمانی که عبودیت با مقام کمال انسانی پیوند می‌خورد، نماز از یک عمل تکلیفی به یک سفر معرفتی تبدیل می‌شود. زیارت آل‌یاسین، دقیقا در همین نقطه ایستاده است؛ جایی که در هر فراز، سلامی بر حقیقت نماز و تجلی توحید در وجود مظهر اصلی آن، یعنی امام عصر(عج) نهفته است. این زیارت، نقشه راهی برای عبور از عادت به حقیقت عبودیت است.

کامل‌ترین نماز

السَّلامُ عَلَیکَ حِینَ تَقُومُ!

سلام بر تو هنگامی که در حال قیام نماز هستی که تنها قیام معنادار در نماز، قیام توست!

قیام در نماز، نماد استقامت در اخلاق حسنه و اعتدال میان خوف و رجاست؛ مقامی که دستیابی به تعادل در آن بدون افراط و تفریط، بسیار دشوار است. این مقام، تجلی توحید فعلی است؛ جایی که نمازگزار با مشاهده فاعلیت خدا در هر فعل هستی، به حقیقت توحید می‌رسد. حضرت صاحب‌الامر(عج) مظهر این تعادل و صاحب مقام قیومیت است. سلام بر ایشان در هنگام قیام، درواقع طلب مدد برای رسیدن به این مرتبه والای توحیدی است.

کامل‌ترین تشهد و سلام

السَّلامُ عَلَیْکَ حِینَ تَقْعُدُ!

سلام بر تو وقتی در تشهد و سلام می‌نشینی!

تشهد و سلام در نماز، تجلی شهادت به یگانگی خدا و عبودیت محض است که دربرابر حجاب کثرات، به رؤیای جمال حق می‌پردازد. آرمان حقیقی انسان، رسیدن به حالات انسان کامل یعنی حضرت صاحب‌الامر(عج) است که تمام حرکات و حالات او در نماز، نورعلی‌نور است. سلام بر ایشان در حال تشهد، جهت‌دهی دل به‌سوی این نور مجسم و مشاهده حقیقت تشهد در آیینه وجود مقدس ایشان است؛ مقامی که در آن، وجود حضرت و حقیقت تشهد همچون دو آیینه روبه‌روی هم، حقیقت را نمایان می‌سازند.

واقعی‌ترین کلمات

السَّلامُ عَلَیْکَ حِینَ تَقْرَأُ وَتُبَیِّنُ!

سلام بر تو آن‌گاه که در حال قرائت نماز و نمایاندن مافی‌الضمیر خود هستی!

قرائت اذکار نماز، اظهار واقعی‌ترین کلمات هستی و اعلام عقاید توحیدی است. زمانی که نمازگزار با حضور قلب این کلمات را بر زبان می‌آورد، از مرکز هستی به‌سوی حقایق باطن، سفر می‌کند. تحقق این حالت آرمانی، در گرو پیروی از قاعده صاحب و تابع است؛ همان‌گونه که رطوبت تابع صاحب خود است، قرائت نیز تابعی از حقیقت انسانی یعنی حضرت صاحب‌الامر(عج) است. سلام بر قرائت حضرت، تلاشی است برای آنکه نمازگزار نیز به‌عنوان تابع، از فیض قرائت آرمانی ایشان بهره‌مند شود.

امام(عج)؛ نمایش کامل‌ترین نماز

السَّلامُ عَلَیْکَ حِینَ تُصَلِّی وَتَقْنُتُ!

سلام بر تو آن هنگام که به‌طورکلی در حال نماز و قنوت و نیایش هستی!

اگر عبادات از حقیقت تهی شوند، چیزی جز پوسته‌ای بی‌معنا باقی نمی‌ماند. با سلام بر امام زمان(عج) در هنگام نماز، ما درواقع به عین نماز سلام می‌دهیم؛ چنان‌که در برخی آیات آمده است که نماز بر ایشان، وحی شده است؛ یعنی نماز ایشان عین فعل الهی است. ما با سلام بر مقام نیایش حضرت، درپی دریافت معنای حقیقی زندگی هستیم؛ چراکه تنها در آیینه وجود مقدس امام است که می‌توان معنای واقعی نماز را از پوسته عادت، فراتر برد و آن را در مقام قرب الهی بازیافت.

سلام بر راز رکوع و سجود

السَّلامُ عَلَیْکَ حِینَ تَرْکَعُ وَ تَسْجُدُ!

سلام بر تو هنگامی که رکوع می‌کنی و به سجده می‌روی!

رکوع‌گزار از توحید افعالی به توحید اسما و سیر از مقام تدلی به قاب قوسین است؛ و سجود، آخرین منزل قرب و مقام اَوأدنی است؛ جایی که سالک با بستن چشم بر کثرت صفات، در تجلی توحید ذات، دچار فنا می‌شود. این مقام بی‌همتا فقط در وجود انسان کامل یعنی امام عصر(عج) محقق است؛ چراکه ایشان عین رکوع و سجود حقیقی‌اند. ما با سلام بر این مقام، امیدواریم از طریق ایشان و از مسیر رحمت واسعه، به نور رکوع و سجود حقیقی دست یابیم و از محرومیت رهایی یابیم.

آیینه نمایش توحید

السَّلامُ عَلَیْکَ حِینَ تُهَلِّلُ وَتُکَبِّرُ!

سلام بر تو هنگامی که مشغول «لااله‌الاالله» و «الله‌اکبر» گفتن هستی!

وقتی نمازگزار «لااله‌الاالله» و «الله‌اکبر» می‌گوید، درحقیقت درپی آن است که یگانگی و کبریایی حق را در تمام هستی مشاهده کند. اما حقیقت این کلمات، فقط در زبان نیست، بلکه تکبیر واقعی در وجود مقدس حضرت صاحب‌الامر(عج) تجسم یافته است. ایشان جلوه تام آرزوی ماست؛ قلبی که سراسر با توحید و کبریایی حق پر شده است. سلام بر ایشان در مقام تهلیل و تکبیر، درواقع سلام بر آن حقیقت عینی است که تمام عالم را در حضور «الله» نشان می‌دهد.

برگرفته از کتاب شرح زیارت آل‌یاسین اثر اصغر طاهرزاده

تصویر: حسین نیکخوی نوروزی/ شهرآرا

درنگ

اربعین، الگوی تمدنی خدمت در مسیر تمدن نوین اسلامی

حامد میرزاخان
عضو مجمع نمایندگان طلاب و فضلای حوزه علمیه قم

اربعین حسینی فراتر از یک آیین زیارتی، در سالیان اخیر به یک «پدیده تمدنی» تبدیل شده است. این رویداد، تجلیگاه الگویی از خدمت است که در آن «ایثار»، «مواسات» و «کرامت انسانی» محور تعاملات اجتماعی قرار می‌گیرند. رهبر شهید انقلاب فرمودند: «اربعین ترکیبی از عقل و عاطفه، ایمان و عشق است.» (۱۳۹۴/۹/۹)

در این الگوی تمدنی، خدمت نه یک وظیفه اداری یا دولتی، بلکه یک «فعل عبادی و اجتماعی» است که ظرفیت‌های تمدن‌سازِ امت اسلامی را احیا می‌کند.

مبانی نظری خدمت در الگوی اربعین

خدمت در تمدن اسلامی، برخاسته از مفهوم «مواسات» است. برخلاف الگوهای غربی که خدمت را در قالب «خیریه» تعریف می‌کنند، در الگوی تمدنی اربعین، خدمت مبتنی بر «مواسات» است؛ یعنی شریک شدن در غم و نیاز دیگری، تا جایی‌که خود در سختی بیفتد. رهبر شهید انقلاب نیز درباره مواسات می‌فرمایند: «مواسات یعنی همراهی کردن و کمک کردن به برادر مؤمن در همه امور انسان وظیفه بداند؛ کمک فکری، کمک مالی، کمک جسمانی، کمک آبرویی.» (**بیانات در دیدار کارگزاران نظام**، ۱۳۸۶/۰۶/۳۱) و «یعنی هیچ خانواده‌ای از خانواده‌های مسلمان و هم‌میهن و محروم را با دردها و محرومیت‌ها و مشکلات خود، تنها نگذاشتن؛ به سراغ آن‌ها رفتن و دست کمک‌رسانی به سوی آن‌ها دراز کردن.» (**بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر**، ۱۳۸۱/۰۹/۱۵)

مواسات یعنی به یکدیگر یاری رساندن و دیگران را در دسترنج و حاصل تلاش‌های خود، شریک ساختن. اگر افراد جامعه، دارای ثروت، علم و آبرویی هستند، باید به‌وسیله آن‌ها خلأهای اجتماعی را پر کنند تا جامعه اسلامی از قدم برداشتن در مسیر تقرب به خدا عقب نیفتد.

مبنای قرآنی: خداوند در توصیف انصار می‌فرماید: «**وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ**؛ و دیگران را بر خود مقدم می‌دارند؛ هرچند خودشان در تنگنا باشند.» (**سوره حشر، آیه ۹**). این دقیقا همان روحیه‌ای است که در مواکب اربعین مشاهده می‌شود.

مبنای روایی: پیامبر اکرم(ص) می‌فرمایند: «**مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ**» (**کافی**، ج ۲، ص ۱۶۴). اربعین، عرصه‌ای است که در آن «اهتمام به امور مسلمانان» از یک شعار به یک تجربه زیسته عملیاتی تبدیل می‌شود.

در اهمیت مواسات همین بس که حکومت‌های نبوی و علوی، مبتنی بر مواسات بودند و حکومت مهدوی نیز براساس مواسات اداره می‌شود.

رهبر شهید انقلاب درباره ویژگی حکومت مهدوی می‌فرمایند: «حکومت الهی حضرت بقیه‌الله (**ارواحنا فداه**) حکومتی است که در آن مقررات حاکم بر مردم، خواست آمریکا و دیگر قدرت‌های زورگوی شرق و غرب نیست، بلکه حکومت عدالت، مواسات و مساوات و حکومت معنویت و فضیلت است و امروز هر کسی که برای عدالت در راه دین و خدمت به محرومان حرکت می‌کند، باید خوشحال و امیدوار باشد؛ زیرا آینده متعلق به اوست.» (**دیدار اقشار مختلف مردم با رهبر معظم انقلاب در سالروز میلاد امام زمان(عج)**، ۱۳۷۳/۱۰/۲۷)

ویژگی‌های تمدنی «خدمت اربعینی»

الگوی تمدنی خدمت در اربعین، دارای شاخصه‌های متمایزی است که آن را از سایر الگوهای خدمت‌رسانی متمایز می‌کند:

الف) مردمی بودن و خودگردانی: در اربعین، دولت‌ها تنها نقش تسهیلگر دارند و مدیریت واقعی توسط خود مردم انجام می‌شود. این مدل «حکمرانی مشارکتی» می‌تواند الگویی برای کاهش تصدیگری دولت‌ها در تمدن‌سازی باشد.

ب) فراگیری و عدم تبعیض: خدمت در اربعین، متوقف بر دین، مذهب، ملیت یا نژاد نیست. امام صادق(ع) می‌فرمایند: «**أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَنْفَعُهُمْ لِخَلْقِ اللَّهِ**» (**کافی**، ج ۲، ص ۱۶۴). خدمت به زائر امام حسین(ع) به‌دلیل انتساب به حقیقت ولایت، تجلی خدمت به «خلق‌الله» است.

ج) آموزش مهارت‌های زیست تمدنی: اربعین یک «دانشگاه تربیتی» است که در آن، نسل جوان با فرهنگ «ایثار هزینه» آشنا می‌شود. تمدن‌سازی بدون انسان‌های ایثارگر، ممکن نیست.

۳. اربعین به‌مثابه تمرین جامعه‌پردازی

برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی، نیازمند تجربه‌هایی هستیم که پیوند میان آحاد مردم را فراتر از مرزهای جغرافیایی برقرار کند.

رهبر شهید انقلاب فرمودند: «راهپیمایی اربعین، می‌تواند یک وسیله گویایی برای تحقق تمدن اسلامی باشد.» (۱۳۹۸/۰۶/۲۷)

برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی دو عمل باید صورت گیرد:

الف) وحدت عملی: اربعین نشان داد که می‌توان حول یک محور (حب الحسین)، شبکه‌ای گسترده از خدمات اجتماعی ایجاد کرد که نه‌تنها شکاف‌های مذهبی را کاهش می‌دهد، بلکه بستری برای تعاملات اقتصادی و فرهنگی بین‌المللی ایجاد می‌کند.

ب) سرمایه اجتماعی: طبق روایات، «**وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْمُؤْمِنُونَ فِي تَبَارِّهِمْ وَ تَرَاحُمِهِمْ وَ تَعَاطُفِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى تَدَاعَى لَهُ سَائِرُهُ بِالسَّهَرِ وَ الْحُمَّى**؛ از امام صادق(ع) نقل شده است که: مؤمنان در احسان و نیکی، مهربانی و دلسوزی، همدردی و علاقه همانند یک جسم هستند که چنانچه بر عضوی از آن دردی و ناراحتی پیش آید، همه بیدار می‌شوند و در سوزوگداز قرار می‌گیرند.» (**المؤمن، ج یک، ص ۳۹**)

اربعین درواقع، احیای این «جسد واحد» است که در آن، خدمت‌رسان و خدمت‌گیرنده، هردو در یک هویت واحد ذوب می‌شوند.